

لنین

در باره دفاع از میهن سوسیالیستی



دیجیتال کننده: نینا پویات

پرولترهای همه کشورها متحد شوید!

لنسین

درباره دفاع از
میهن سوسیالیستی



بنگاه نشریات پروگرس
مسکو

چاپ اتحاد شوروی

Л $\frac{10102-022}{016(01)-79}$ без объявл. 0101020000

میهن سوسیالیستی

در خطر است!

ما برای نجات کشور از پا افتاده و زجر کشیده خود از زیر بار مصائب جدید جنگی به بزرگترین فدایکاری تن در دادیم و موافقت خود را با امضاء شرایط صلح پیشنهادی آلمانها به آنان اعلام نمودیم. فرستادگان ما عصر روز ۲۰ - فوریه از رژیتس بصوب دوینسک رهسپار شدند ولی تاکنون جوابی نیامده است. پیداست که دولت آلمان جواب را بتاخیر میاندازد و علناً خواهان صلح نیست. میلیتاریسم آلمان با اجرای دستور سرمایه‌داران کلیه کشورها، میخواهد کارگران و دهقانان روسیه و اوکراین را مختنق سازد، زمین‌ها را بملأکین، فابریکها و کارخانه‌ها را به بانکداران و قدرت حاکمه را به دستگاه سلطنت بازگرداند. ژنرالهای آلمان میخواهند «نظم» خود را در پتروگراد و کیف برقرار سازند. جمهوری سوسیالیستی شوراها در معرض بزرگترین خطرات است. تا لحظه‌ایکه پرولتاریای آلمان بپا خیزد و پیروز گردد وظیفه مقدس کارگران و دهقانان روسیه اینستکه از جمهوری شوراها در مقابل اردوهای آلمان بورزوای امپریالیستی، فدایکارانه دفاع نمایند. شورای کمیسرهای ملی مقرر میدارد: ۱) کلیه نیروها و وسائل کشور تماماً با مر دفاع انقلابی اختصاص داده شود. ۲) تمام شوراها و سازمانهای انقلابی موظفند از هر موضع تا آخرین قطره خون دفاع نمایند. ۳) سازمانهای راه آهن و شوراها^۱ که با آنها ارتباط دارند موظفند با تمام قوا مافع آن گردند که دشمن از وسائل و

خطوط آهن استفاده نماید؛ هنگام عقب نشینی باید راهها را منهدم وابنیه راه آهن را منهجر ساخت و آتش زد؛ تمام قطارها - و اکونهای و لکوموتیوها بی درنگ بصوب خاور، بعمق کشور فرستاده شود.

۴) تمام ذخائر غله و بطاور کلی خواربار و نیز هر نوع اموال پرازشی که بیم آن میرود بدست دشمن افتد، باید بی چون و چرا نابود کردد؛ نظارت بر این امر بعده شوراهای محلی تحت مسئویت شخصی صدرهای آن محول میشود. ۵) کارگران و دعقانان پطرولیوگراد، کیف و کلیه شهرها و نقاط کوچک و قصبات و دهاتی که در خط جمهوری جدید قرار دارند، باید گردانهای برای حفر سنگر تحت رهبری کارشناسان نظامی بسیج نمایند. ۶) تمام افراد قادر به کار طبقه بورژوازی اعم از مرد وزن باید در این گردانها داخل شوند و تحت نظارت افراد گارد سرخ قرار گیرند؛ مقاومت کنندگان - تیرباران شوند. ۷) کلیه نشریاتی که با امر دفاع انقلابی مخالفت میورزند و جانب بورژوازی آمان را میگیرند و نیز آنهائی که میکوشند از هجوم ایلغاریان امپریالیستی برای سرنگون ساختن حکومت شوروی استفاده نمایند، توقیف می شوند؛ مدیران و کارکنان قادر به کار این نشریات برای سنگر کنی و سایر کارهای دفاع بسیج می گردند. ۸) عمال دشمن، سفتہ بازان، تالانگران، اوپاشان، مبلغین ضد انقلابی، جاسوسان آلمانی در محل ارتكاب جرم تیرباران می شوند.

میهن سوسیالیستی در خطر است! زنده باد میهن سوسیالیستی!

زنده باد انقلاب بین المللی سوسیالیستی!

شورای کمیسرهای ملی

۲۱ فوریه سال ۱۹۱۸ پطرولیوگراد.
«پراودا» شماره ۳۲، ۲۲ فوریه سال ۱۹۱۸

در زمینه عمل

ما با یک اعتدالی انقلابی رو برو هستیم که موجب آن، تاخت و تاز خائنانه افراد کارد سفید آلمانی بر انقلاب روس است. از هم جا تلگرافها میرسد حاکمی از آمادگی برای دفاع از حکومت شوروی و نبرد تا آخرین تن. جز این روش دیگری را هم نمیشد از حکومت کارگری و دهقانی خود انتظار داشت.

ولی برای جنگیدن با دشمنی نظیر امپریالیسم آلمان جوش و خروش تنها کافی نیست. بزرگترین ساده اوحی و حتی جناحتی میبود اگر باین جنگ حقیقتی، سر سخت و خونین سبکسرانه ذکر یسته میشد.

یا باید حقیقتاً جنگید و یا اصلاً نجنگید. در این مورد شق ژالت محال است. حال که امپریالیستهای آلمان آنرا بما تحمل میکنند، وظیغه مقدس ما اینسته که وضع خود را هشیارانه ارزیابی کنیم، نیروها را در نظر گیریم و مکانیسم اقتصادی را وارسی نمائیم. تمام اینها باید با سرعت زمان جنگ انجام گیرد زیرا در وضع کنونی ما هر گونه تأخیری، در حقیقت «همانند مرگ است». آنیبال در پشت دروازه است - این موضوع را دقیقه‌ای نباید فراوش کنیم.

برای اینکه بتوان حقیقتاً جنگید باید عقبگاه محکم و متشکل داشت. بهترین ارتش و وفادارترین افراد نسبت با مر انقلاب هر آینه

بعد کافی مسلح نباشند، از لاحاظ آذوقه تامین نباشند و تعلیمات
نديده باشند بيدرنگ بلست دشمن نابود خواهند شد. اين موضوع
بقدری روشن است که نيازی به توضیع ندارد.

عقبگاه ارتش انقلابی ما در چه وضعی است؟ - در رقت بارترین
وضعیت و ~~چک~~ بسا از آنهم بدتر. جنگ قبلی حمل و نقل ما را بکلی
مختل ساخته، مبادله کالا را بین شهر و ده برهم زده و نتیجه
مستقیم و بلاواسطه آن هم قحطی در شهرهای بزرگ است.

ارتش ما در زیر ضربات دشمن به قطعی ترین طرزی تغییر
سازمان میلده. آن ارتش قدیمی که با شرایط جنگ معاصر آشنا
بود اکنون وجود ندارد. این ارتش که در نتیجه جنگ قبلی بکلی
از پا در آمده و در اثر ۳ سال و نیم نشستن در سنگر بطرز
مهملک فرسوده شده است از لاحاظ جنگی در حکم هیچ است. ارتش
سرخ - بدون شک عنصر پیکارجوی شگرف وای عنصری خام و عمل
نيامده است. برای اینکه این ارتش را طعمه توب آتشبارهای آلمانی
ذکرده باشیم باید آنرا تعلیم دهیم و با انضباط نمائیم.

در برابر ما مشکلات عظیمی قرار دارد. تمام شوراهای محلی
باید، از پی تلگراف ارسالی در باره آمادگی برای پیکار با دشمن
خارجی، بيدرنگ اطلاع دهنند چند واگون غله به پتروگراد فرستاده اند.
چه مقدار نیرو قادرند فوراً به جبهه گسیل دارند و چقدر سرباز
سرخ تحت تعلیم است. تمام اسلحه و مهمات باید تحت حساب در آید
و تولید اسلحه جدید و مهمات بيدرنگ از سر گرفته شود. راههای
آن باید ~~سهر~~ انبان داران و اوپاشان پاک شود. در همه جا باید
شدیدترین انضباط انقلابی بر قرار گردد. فقط در صورت مراعات
کلیه این شرایط میتوان بطور جدی از جنگ سخن را داد. در غیر
اینصورت کلیه گفتگوهای مربوط به «انقلابی ترین جنگها» عبارت پردازی

خواهد بود. و عبارت پردازی هم همیشه مضر و در لحظه بحرانی
فعالی ممکن است نقش مهلكی را ایفاء نماید.

من ایقان کامل دارم که انقلاب ما از عهده دشواریهای عظیم
فعالی بر خواهد آمد. این انقلاب، هم اکنون کار عظیمی انجام داده
است ولی برای اختتام موفقیت آمیز کار ما، باید انرژی را صد
کرت افزونتر ساخت.

فقط در اینصورت ما پیروز خواهیم شد.

«پراودا» شماره ۳۸، یکم مارس

سال ۱۹۱۸.

درس جدی و مسئولیت

جدی

«دست چیزها» ی دروغین ما که از دیروز برای خود با انتشار روزنامه‌ای بنام «کمونیست» (با یستی اضافه می‌شد؛ کمونیست عصر ما قبل مارکس) دست زده‌اند، از درس و درسهای تاریخ عبرت نیاندوخته و از مسئولیت خویشتن طفره می‌روند.

این طفره روی‌ها بی‌پوده است، آنها موفق به طفره رفتن نخواهند شد.

طفره روندگان تقلای بی‌حدی بخراج میدهند. دمادم ستونهای روزنامه را پر می‌کنند، عرق ریزان مشغول کارند: «حتی» بمرکب چاپ هم رحم نمی‌کنند برای اینکه «ثوری» «تنفس» زا یک «ثوری» بی‌پروا و معیوب جلوه‌گر سازند.

افسوس! زور زدنها ای آنها قادر به تکذیب واقعیات نیست. همانطور که یک ضرب المثل صائب انگلیسی می‌گویند: واقعیات سرسختند. واقعیت اینست که از روز سوم مارس که در ساعت یک بعد از ظهر آلمانها عملیات نظامی را قطع کردند تا ساعت ۷ عصر روز ۵ مارس که من بنگارش این سطور مشغولم ما از تنفس بر خورداریم و هم اکنون برای دفاع عملی از میهن سوسيالیستی (دفاعی که ذه در گفتار بلکه در کردار متجلی است) از این دو روز استفاده نموده ایم. این واقعیتی است که روز بروز برای توده‌ها بیشتر واضح خواهد شد. این یک واقعیت است که در لحظه ایکه ارتش جبهه توافقی جنگیدن را ندارد و سر اسیمه در حال فرار است. توپها را رها می‌کند و فرصت

انفجار پلها را نمی‌یابد، راه دفاع از میهن و بالا بردن قدرت دفاعی آن، وراجی در باره جنگ انقلابی نیست (وراجی - در این شرایطیکه ارتش سراسیمه فرار می‌کند و طرفداران جنگ انقلابی حتی یک واحد از آنرا هم نتوانسته اند زگاهدارند - به تمام معنی ننگ آور است) بلکه عقب نشینی منظم برای نجات باقیمانده‌های ارتش و استفاده از هر روز تنفس برای این مقصود است.

و اقعیات سر سخنند.

«دست چپی‌ها»^۱ دروغین ما در حاییکه از واقعیات و درسهای آن عبرت نمی‌اندازند و از مسئوایت خویش طفره می‌روند، می‌کوشند گذشتۀ نزدیک و هنوز به تمام معنی تازه را که دارای اهمیت تاریخی است از خوانندگان بپوشانند و آنرا با استفاده بگذشتۀ دور و بی اهمیت ماست مالی نمایند. مثلاً: ک. رادک در مقاله خود این موضوع را بیاد می‌آورد که چگونه در ماه دسامبر (دسامبر!) نوشته است که ضروری است بارتش کمک کرد تا بتواند پایداری کند. او این را در «گزارش کتبی خود به شورای کمیسرهای ملی» نوشته است. من امکان نیافتنه ام این گزارش را بخوانم و این سؤال برای من پیش می‌آید: پس چرا کارل رادک آنرا تماماً درج نمی‌کند؟ چرا با دقت و صراحة توضیح نمیدهد که در آن موقع برای «صلح سازشکارانه» چه مفهومی قائل بوده است؟ چرا او گذشتۀ نزدیکتر را بیاد نمی‌آورد، یعنی هنگامیرا که در روزنامه «پراودا» راجع به توهمات خود (بدترین آنها) و راجع به امکان قرارداد صلح با امپریالیستهای آلمان به شرط استرداد اهستان، قلمغرسائی می‌کردد؟

چرا؟

زیرا «دست چپی‌ها»^۱ دروغین مجبور به سایه افکندن بر واقعیاتی هستند که مسئوایت آنها یعنی «دست چپی‌ها» را در مورد

افشاندن بذر توهماں آشکار میسازد، توهماتی ^{۲۴} در حقیقت بامپریا ایستهای آلمان کمک کرد و مانع رشد و تکامل انقلاب در آلمان گردید.

ن. بوخارین اکنون حتی میگوشد این واقعیت را، که او و دوستاش مدعی بودند آلمانها قادر به تعریض نخواهند بود، انکار نماید. واى عده بسیار و بسیار زیادی میدانند که ادعای این موضوع از طرف بوخارین و دوستاش واقعیتی است و آنها با افشاران بذر چنین توهی، به امپریا ایسم آلمان کمک کردند و مانع آن شدند که انقلاب آلمان رشد نماید و اکنون این انقلاب، بعلت اینکه از جمهوری شوروی ولیکاروس بهنگام فرار سراسیمه ارتقش دهقانی هزاران توب و صدها میلیون ثروت بغایت گرفته شده، ضعیف گشته است. من این موضوع را بطور روشن و دقیق در تزهای ۷ زانویه پیشگوئی کردم*. اگر ن. بوخارین اکنون مجبور شده است «حاشا بزن» بدادحالش. تمام کسانیکه گفته های بوخارین و دوستاش را در مورد محال بودن تعرض برای آلمانها بخاطر دارند از این که ن. بوخارین ناچار شده است گفته های خود را «حاشا بزن» سرانگشت حیرت بندان میگزند.

و اما برای کسانیکه آنرا بخاطر ندارند، کسانیکه آنرا نشنیده اند به سندی استناد میجوئیم که کمی پر از شتر، جالبتر و فی الحال آموزنده تر از نوشته های ماه دسامبر ل. رادک است. این سند، که متأسفانه «دست چپی ها» آنرا از خوانندگان خود پنهان داشته اند، عبارت است از نتایج اخذ رایه ائی که ۱) در تاریخ ۲۱ زانویه سال

* رجوع شود به چاپ چهارم روسی، جلد ۲۶ کلیات لنین، ص - ۱-۴۰۸-۴۰۸. ه. ت.

۱۹۱۸ در جلسه مشاوره کمیته مرکزی حزب ما با اپوزیسیون «چپ»
کنونی انجام گرفته و ۲) اخذ رأی است که در ۱۷ فوریه سال ۱۹۱۸
در کمیته مرکزی بعمل آمده است.

در ۲۱ زانویه سال ۱۹۱۸ در مورد این مسئله که آیا مذاکرات
با آلمانها بیلرنگ قطع شود یا نه، تنها استوکف (از کارکنان
روزنامه «کمونیست» «چپ» دروغین) رأی موافق داد. بقیه هم
مخالف بودند.

در مورد این مسئله که آیا در صورت قطع مذاکرات از طرف
آلمانها یا اتمام حجت آنان تن در دادن به امضاء قرار داد صلح
الحق آمیز جایز است یا نه، فقط آبولنسکی (پس چه وقت تزهای
«او» به چاپ خواهد رسید؟ چرا روزنامه «کمونیست» در باره این
تزهای سکوت اختیار کرده است؟) و استوکف رأی مخالف دادند.
بقیه هم رأی موافق دادند.

در مورد این مسئله که آیا در چنین موردی باید قرار داد صلح
پیشنهادی را امضاء کرد فقط آبولنسکی و استوکف رأی مخالف
دادند، بقیه «دست چپی‌ها» ممتنع ماندند!! این یک فاکت.

در ۱۷ فوریه سال ۱۹۱۸ در مورد این مسئله که کی طرفدار
جنگ انقلابی است بوخارین و لوموف «بعلت این شیوه طرح مسئله
از شرکت در رأی امتناع میورزند. هیچکس رأی موافق نمیلهد.
این هم یک فاکت.

در مورد این مسئله که آیا باید «تا زمانی که تعرض آلمانها
بعد کافی (عینماً اینطور گفته شده!) متظاهر نگردیده و تا زمانی که
تا این این تعرض در جنبش کارگری آلمان آشکار نشده است تجدید
مذاکرات صلح را به تأخیر انداخت یا نه» بوخارین، لوموف و اوریتسکی
که از کارکنان فعلی روزنامه «دست چپ» هستند، رأی موافق دادند.

در مورد این مسئله که «اگر تعرض آمانها صورت واقعیت بخود گیرد و دوران اعتلای انقلابی در آمان و اتریش فرا نرسد آیا ما قرارداد صلح را منعقد خواهیم کرد یا نه» اوموف، بوخارین و اوریتسکی ممتنع ماندند.

واقعیات سرسرخ است اند. و واقعیات میگویند که بوخارین امکان تعرض آمانها را اذکار میکرد و بذر توهمند میافشاند و بدین وسیله عمل و علی رغم تمايل خود به امپریا ایستهای آلمان کمک مینمود و رشد انقلاب آمان را مانع میگردید. ماهیت عبارت پردازی انقلابی هم در همین است. میخواست باين اطاق برود از اطاق دیگر سر در آورد.

ن. بوخارین مرا مذمت میکند که شرایط صلح فعلی را بطور مشخص تحلیل نمیکنم. واى فهم این موضوع دشوار نیست که برای استدلال من و ن. از نظر ماهیت امر هیچ گونه احتیاجی باين موضوع نبوده و نیست. فی بود ثابت گردد که برای ما مسئله دو حل واقعی که مجعل ذهن نباشد منحصر بیکی است: یا قبول آذچنان شرایطی که واو برای چند روز هم شده بما تنفس بلهد و یا وضع بلژیک و صربستان. و این موضوع را بوخارین لااقل در مورد پطرود کرادرد نگرد. همکار او م. ن. پاکروفسکی اینرا تصدیق نمود.

و اما این که شرایط نوین بدتر و شاق تر و موہن تر از شرایط بد و شاق و موہن بروست است، گناهیست که «دست چپی ها» ی دروغین ما یعنی بوخارین، اوموف، اوریتسکی و شرکاء در پیشگاه جمهوری کبیر روسیه شوروی بگردن دارند. این یک واقعیت تاریخی است که اخذ رأیهای مذکور در فوق آنها را مبرهن میدارد. این واقعیت را با هیچ نیزه‌نگی نمیتوان پنهان داشت. بشما شرایط بروست را اراده کردن و شما با لافزی و خودستاؤ بدان پاسخ دادید

و کار را به شرایط بدتری کشاندید. این واقعیت است. و شما نمیتوانید مسئولیت آنرا از خود دور سازید.

در تزهای ۷ ژانویه سال ۱۹۱۸ من با نهایت وضوح پیشگوئی شده است که بعلت وضع ارتش ما (که عبارت پردازی «علیه» توده های خسته دهقانی نمیتوانست آنرا تغییر دهد) اگر روسیه صلح برست را نپذیرد ناچار خواهد بود قرارداد جداگانه بدتری را امضاء نماید. «دست چپی ها» بدام بورژوازی روسیه افتادند که لازم داشت

ما را بجنگی بکشاند که بحد اکثر برای ما زیانبخش باشد. اینکه «اس ارهای چپ» که اکنون برله جنگ اظهار نظر میکنند، بعیان از دهقانان جدا شده اند، واقعیتی است. و این واقعیت کواهی است بر بن سیاستی سیاست اس ارهای چپ، همانگونه که سیاست بظاهر «انقلابی» کلیه اس ارها در تابستان سال ۱۹۱۷ بن سست بود.

اینکه آگاهترین و پیشروترین کارگران بسرعت تائیر بیهوشی آور عبارت پردازیهای انقلابی را از خود دور میکنند موضوعیست که نمونه پهاروگراد و مسکو گواه آنست. بهترین بخشهاي کارکری پتروگراد یعنی بخش ویبورگسکی و واسیلی آستروفسکی هم اکنون هشیار شده اند. شورای نمایندگان کارگران پهاروگراد الحال با جنگ موافقت ندارد، این شورا بلزم تدارک این جنگ پی برده و در تدارک آنست. دو مسکو در کنفرانس شهری بلشویکها منعقده در سوم و چهارم مارس سال ۱۹۱۸ مخالفین عبارت پردازی انقلابی پیروز گردیده اند.

اینکه «دست چپیها» رشته سخن را به چه خود فریبی های دهشتتاکی رسانده اند، از یک جمله مقاله پاکروفسکی پیداست که میگوید: «اگر قرار به جنگ باشد باید هم اکنون» (تکیه از پاکروفسکی است)، ... حنگ کرد «یعنی هنگامیکه - گوش کنید! گوش کنید! هنگامیکه

ارتش روسیه و حتی واحدهای تازه تشکیل شده هنوز مخصوص نشده اند».

و حال آنکه این کسی بواقعیات بی اعتنا نمایند میداند به بزرگترین مانع در راه دفع آماذها در فوریه سال ۱۹۱۸، خواه در ولیکاروسی، خواه در اوکرائین و خواه در فنلاند همان ارتش مخصوص نشده ما بود. این واقعیت است. زیرا این ارتش نمیتوانست سراسیمه وار فرار نکند و واحدهای ارتش سرخ را بدنبال خود نکشد.

کسیکه میخواهد از درسهای تاریخ پند گیرد و از مسئولیت روی پنهان نکند و رخ بر نتابد لااقل جنگهای زاپلئون اول را با آمان بخاطر خواهد آورد.

پروس و آمان بارها قراردادهای صلحی را که ده بار شاق تر و موهن تر (از قرارداد ما) بود با استیلاگر امضاء نمودند تا آنجا که پلیس اجنبی را هم قبول کردند و تا آنجا که تعهد سپردند سپاهیان خود را برای کمک به اشگرکشیهای استیلاگرانه زاپلئون اول در اختیار وی بگذارند. زاپلئون اول در قراردادهای خود با پروس، ده بار مشدیدتر از آنچه اکنون هندنبورگ و وبلهم ما را تحت فشار قرار داده اند، بر آمان ستم روا میداشت و آنرا قطعاً میساخت. و مع الوصف در پروس کسانی یافت میشدند که نلافیده، بلکه قراردادهای صلح ماوراء «تنگینی» را امضاء مینمودند. زیرا ارتش نداشتند، آنها شرایطی را امضاء میکردند که ده بار ظالمانه تر و موهن تر بود، ولی بعداً با تمام این احوال دست بقیام و جنگ میزدند. چنین وضعی نه یک بار بلکه بارها رخ داده است. تاریخ چندین قرارداد صلح و چندین جنگ از اینقابل بخود دیده است. چندین مورد تنفس: چندین اعلام جنگ جدید از طرف استیلاگر، چندین مورد اتحاد ملت ستمکش را با ملت ستمگری بخود دیده است

که رقیب استیلاگر و خود نیز استیلاگر بوده است (این مطاب برای اطلاع طرفداران «جنگ انقلابی» گفته میشود که مدعاویند این جنگ باید بدون کمک گرفتن از امپراطوریستها انجام یابد!). سپیر تاریخ بدینمنوال بوده است.

چنین بود و چنین نیز هم خواهد بود. ما وارد دوران یکسلسله جنگها شده ایم. ما بسوی جنگ میهنی جدیدی میرویم. ما در شرایط انقلاب نضع یا بنده سوسیالیستی با آن رو برو خواهیم شد. و در این راه دشوار، پرولتاریای روس و انقلاب روس خواهند توانست کریمان خود را از قید لافزنی و عبارت پردازی انقلابی خلاص کنند. خواهند توانست قراردادهای صلح ماوراء شاق را بپذیرند و خواهند توانست مجدداً بپاخیزند.

ما قرارداد صلح تیلزیت را منعقد نمودیم. ما هم به پیروزی و هم به رهائی خود نائل خواهیم آمد، همانگونه که آلمانها پس از صلح سال ۱۸۰۷ تیلزیت در سالهای ۱۸۱۳ و ۱۸۱۴ از قید ناپلئون رها شدند. فاصله بین صلح تیلزیت ما و رهائی ما شاید کمتر هم باشد زیرا تاریخ سریعتر کام بر میدارد.

مرده باد لا فزنی! به پیش در راه کار جدی، اوضاع و تشکیلات!

تاریخ نگارش: ۵ مارس سال ۱۹۱۸

تاریخ انتشار: ۶ مارس سال ۱۹۱۸

در شماره ۴۲ روزنامه «پراودا»

با مضاع ن. لنین

سخنرانی بهمناسبت «روز افسر سرخ»

۱۹۱۸ نوامبر ۲۴

(غرييوکف زدنها، سرود «انترناسيونال»). لنيں ميگوييد: از طرف کميسرهای ملی بشما شاد باش ميگويم. هنگامیکه من در بارہ وظائف ارتشمان و افسران سرخ ميانديشم واقعه ايرا بيااد مياورم که همين چندی پيش در واگن راه آهن فنلاند ناظر آن بوده‌ام. من ديدم مردم به صحبت پيره زنی گوش ميکنند و تبسم مينمايند. خواهش كردم گفته هاي او را برایم ترجمه کنند. زن فنلاندی ضمن مقايسه سربازان سابق با سربازان انقلابی، ميگفت، اوليهها منافع بورزوآزی و ملاکين را دفاع ميكردند ولی دوميهها منافع تهييدستان را. پيره زن ميگفت: «سابقاً تهييدست در مقابل هر تيکه هيزمى که بدون اجازه بر ميداشت بيرحمانه مورد كيفر قرار ميگرفت، ولی حالا اگر در جنگل به سربازى بر خورد نمائى در بردن پشته هيزم بتو کمك هم ميکنند». ميگفت: «حالا ديگر ذباید از شخص تفنگ بدست ترسيء».

لنيں در ادامه سخنان خود ميگوييد: من فکر ميکنم تصور پاداشی بهتر از اين برای ارتش سرخ دشوار باشد.

سپس لینین گفت که کادر فرماندهی سابق بیشتر از نورچشمیهای لوس و فاسد سرمایه‌داران تشکیل میشد که هیچ وجه مشترکی با سرباز ساده نداشتند. بدین سبب ما اکنون، هنگام ایجاد ارتتش نوین، باید فرماندهان را فقط از بین خلق برگزینیم. تنها افسران سرخ در بین سربازان اوتوریته خواهند داشت و خواهند توانست سوسيالیسم را در ارتتش ما استور سازند. چنین ارتضی غلبه ناپذیر خواهد بود.

منتشره در روزنامه «ایزوستیای
کمیته اجرائیه مرکزی»، شماره ۲۵۸
۲۶ نوامبر ۱۹۱۸.

از جاسوسان بر حذر باشید!

مرگ بر جاسوسان!

تعرض گارد سفیدیها به پتروگراد بعیان ثابت نمود که سفیدها در سراسر منطقه مجاور جبهه و در هر شهر بزرگی سازمان وسیعی برای جاسوسی، خیانت، افجوارپل‌ها، بر پاکردن شورش در پشت جبهه و قتل کمونیست‌ها و اعضاء، بر جسته سازمانهای کارگری در اختیار دارند.

همه باید بر سرپست خود باشند.

همه جا باید هشیاری را دو چندان ساخت، برای پیدا کردن و د پای جاسوسان و توطئه گران سفید و دستگیری آنان یکسلسله اقداماتی در نظر گرفت و به مؤکدترین نحوی آنها را عملی نمود. کارکنان راه آهن و کارکنان سیاسی کلیه واحد‌های نظامی «لون استینتا» بویژه موظفند حزم و احتیاط خود را دو چندان سازند.

همه کارگران و دهقانان آگاه باید با سپرسینه خود از حکومت شوروی دفاع نمایند و به پیکار علیه جاسوسان و خائنین گارد سفید

بر خیزند. بگذار هر کس در پاسگاه خود باشد و ارتباط لاینقطعی را، که بشیوه نظامی متشكل شده باشد، با کمیته‌های حزب، با سازمان چکا و با مطمئن ترین و مدرج ترین رفقا از بین کارکنان مؤسسات شوروی، حفظ نمایند.

صدر شورای دفاع کارگری-دهقانی
و. اولیانف (لنین)

کمیسر ملی کشور: ف. دزرزینسکی

«پراودا» شماره ۱۱۶،

۳۱ ماه مه سال ۱۹۱۹.

فهرست

- میهن سوسیالیستی در خطر است! ۳
در زمینه عمل ۵
درس جدی و مسئوایت جدی ۸
سخنرانی بمناسبت «روز افسر سرخ» ۱۶
از جاسوسان بر حذر باشید! ۱۸

В. И. Ленин
О защите социалистического отечества
На персидском языке

دیجیتال کنده : نینا پویان